

Magyar – perzsa

a	حرف تعریف برای چیز یا شخص معینی	حرف تعریف
ablak	پنجره	اسم
absztrakt	انتزاعی	صفت
ad valamit valakinek	دادن، بخشیدن	فعل
afrikai	آفریقایی	صفت
ágy	تخت خواب	اسم
ahol	جایی که	حرف ربط
ajándék	هدیه	اسم
ajtó	در	اسم
akar	خواستن	فعل
akciófilm	فیلم اکشن	اسم
akciós	به حراج گذاشته	صفت
aki	که او	حرف ربط
akkor	(در) آن موقع، (در) آن وقت، (در) آن هنگام، آنگاه	ضمیر
alacsony	پایین، کم (مربوط به صدا)	صفت
alacsony	کوتاه (مربوط به قد)	صفت
aláír (ír) valamit	امضا کردن	فعل
alatt	زیر، پایین	پسوندها حرف اضافه
albérlet	آپارتمان اجاره‌ای	اسم
alkohol	الکل	اسم
áll	ایستادن	فعل
állat	حیوان	اسم
állatkert	باغ وحش	اسم

állatorvos	دامپزشک	اسم
állomás	ایستگاه	اسم
alma	سیب	اسم
almafa	درخت سیب	اسم
almalé	آب سیب	اسم
álmós	خواب آلود	صفت
alszik	خوابیدن	فعل
általában	معمولاً	قید
általános	معمولی	صفت
amelyik	که آن	ضمیر
Amerika	آمریکا، ایالات متحده	اسم
amerikai	آمریکایی	صفت
ami	که (مربوط به اشیا)	ضمیر
amikor	وقتی که، زمانی که	ضمیر
Anglia	انگلستان	اسم
angol	انگلیسی	صفت
antibiotikum	آنتی بیوتیک	اسم
anya	مادر	اسم
anyuka	مامان	اسم
apa	پدر	اسم
április	آوریل	اسم
apuka	بابا	اسم
arab	عربی	صفت
arany	طلا	اسم
aranyos	بامزه	صفت
arc	صورت	اسم

arcú	- صورت، - چهره (بخش دوم کلمات مرکب)	صفت
árjegyzék	لیست قیمت	اسم
ásványvíz	آب معدنی	اسم
asszisztens	دستیار	اسم
asszony	زن، خانم	اسم
asztal	میز	اسم
asztalos	نجار	اسم
át	از یک طرف به طرف دیگر، از یک جای مشخص به یک جای مشخص دیگر	پیشوند فعلی
átjön (jön)	از یک جای مشخص به یک جای مشخص دیگر آمدن	فعل
átküld (küld)	چیزی از یک جای مشخص به یک جای مشخص دیگر فرستادن	فعل
átmegy (megy)	از یک جای مشخص به یک جای مشخص دیگر رفتن عبور کردن، قطع کردن، گذشتن	فعل
átöltözés	تعویض لباس	اسم
átöltözik (öltözik)	لباس عوض کردن	فعل
átszall (száll)	تغییر خط اتوبوس یا مترو	فعل
augusztus	اوت	اسم
ausztrál	استرالیایی	صفت
Ausztrália	استرالیا	اسم
Ausztria	اتریش	اسم
autó	اتومبیل، ماشین	اسم
autópálya	اتوبان، بزرگراه	اسم
autószerelő	مکانیک اتومبیل، تعمیرکار	اسم
az	حرف تعریف برای چیز یا شخص	حرف تعریف

	معنی	
az	آن	ضمیر
azaz	یعنی	حرف ربط
azért	ازاین رو، بنابراین، پس	حرف ربط
azonnal	سریعاً، فوراً	قید
aztán	پس، بعداً	قید
Ázsia	آسیا	اسم
ázsiai	آسیایی	صفت
baj	مشکل، مسئله	اسم
bajusz	سبیل	اسم
baleset	تصادف، اتفاق، حادثه، سانحه	اسم
balra	به طرف چپ	قید
banán	موز	اسم
bank	بانک	اسم
bankkártya	کارت بانکی	اسم
barack	هلو	اسم
barackfa	درخت هلو	اسم
baracklé	آب هلو	اسم
barát	دوست، رفیق، یار	اسم
barátnő	دوست دختر	اسم
barna	قهوه‌ای	صفت
bátya	برادر بزرگتر	اسم
be	حرکت به داخل	پیشوند فعلی
Bécs	وین	اسم
becsomagol (csomagol) valamit	پوشاندن، پیچیدن، بسته‌بندی کردن	فعل
becsuk (csuk) valamit	بستن	فعل

bejön (jön)	وارد شدن، ورود کردن	فعل
bekapcsol (kapcsol) valamit	روشن کردن	فعل
bele	درون، داخل	پیوند فعلی/ حرف اضافه
belváros	مرکز شهر	اسم
bemegy (megy)	وارد شدن، داخل رفتن	فعل
bemutat (mutat) valakit	معرفی کردن	فعل
bent	داخل، درون	قید
bérlet	کارت اتوبوس	اسم
berlini	از برلین، برلینی	صفت
beszáll (száll)	سوار وسیلهی نقلیه شدن	فعل
beszél	حرف زدن، سخن گفتن	فعل
beszélget	گفتگو کردن	فعل
beteg	بیمار	اسم
beteg	بیمار، مریض، ناخوش	صفت
betegség	مریضی، بیماری، مرض	اسم
betör (tör)	غیر قانونی وارد جایی شدن،	فعل
betörő	دزد	اسم
betűz valamit	املاي چیزی را گفتن	فعل
beveszi (vesz) a gyógyszert	دارو خوردن	اصطلاح
bezár (zár) valamit	بستن، قفل کردن	فعل
bicikli	دوچرخه	اسم
biciklis	دوچرخهسوار	اسم
biciklizés	دوچرخهسواری	اسم
biciklizik	دوچرخهسواری کردن	فعل
biztonsági	ایمنی	صفت

biztos	مطمئن	قید
blokk	صورت حساب	اسم
Bocsánat!	ببخشید، عذر می خواهم	اصطلاح
Bocsánat!	ببخشید، متاسفم	اصطلاح
boka	قوزک، مچ پا	اسم
bokor	بوته	اسم
boksz	بوکس، مشت زنی	اسم
bokszol	بوکس کردن، پیکار کردن	فعل
boldog	خوشحال، شاد	صفت
bolt	مغاره	اسم
bor	شراب	اسم
borospince	انبار شراب	اسم
borzalmas	وحشتناک، ترسناک، هولناک	صفت
bőrönd	چمدان	اسم
budapesti	بوداپستی، بوداپستی اهل	صفت
buli	پارتی، جشن	اسم
busz	اتوبوس	اسم
buszjegy	بلیط اتوبوس	اسم
buszmegálló	ایستگاه اتوبوس	اسم
buszozik	اتوبوس سواری کردن	فعل
bútor	مبلمان	اسم
büfé	بوفه، اسنک فروشی	اسم
büntetés	جریمه	اسم
cég	شرکت	اسم
ceruza	مداد	اسم
chips	چیپس	اسم

cigaretta	سیگار	اسم
cigarettaázik	سیگار کشیدن	فعل
cigizik (slang)	سیگ زدن (عامیانه)	فعل
cipő	کفش	اسم
cipőbolt	کفش فروشی	اسم
cirkusz	سیرک	اسم
citrom	لیمو	اسم
citromtorta	کیک لیمو	اسم
comb	ران	اسم
copf	دم اسبی	اسم
cucc	چیزها، جنس	اسم
cukor	شکر	اسم
cukrászda	شیرینی فروشی، قنادی	اسم
csak	فقط، تنها	قید، حرف ربط
család	خانواده	اسم
csapolt	بشکه‌ای	صفت
cseh	چک	صفت
Csehország	جمهوری چک	اسم
csekk	حواله‌پستی	اسم
csend	سکوت	اسم
csendes	آرام، ساکت	صفت
cserél	تغییر دادن، عوض کردن	فعل
cseresznye	گیلاس	اسم
csésze	فنجان	اسم
csiga	حلزون	اسم
csíkos	راه راه	صفت

csinál valamit	درست کردن، ساختن، انجام دادن	فعل
csirke	مرغ	اسم
csirkehús	گوشت مرغ	اسم
csirkepörkölt	خورشت مرغ	اسم
csizma	پوتین، بوت	اسم
csoki	شکلات	اسم
csokitorta	کیک شکلات	اسم
csokoládé	شکلات	اسم
Csókolom!	سلام (اسطلاح محترم، بچه‌ها به خانم‌های مسن می‌گویند)	اصطلاح
csokor	دسته گل	اسم
csomag	بسته	اسم
csoport	گروه	اسم
csönd	سکوت، آرامش	اسم
csönget	زنگ را به صدا در آوردن، زنگ زدن	فعل
csörög	زنگ زدن، تماس گرفتن (عامیانه)	فعل
csúnya	زشت، نازیبا	صفت
csütörtök	پنجشنبه	اسم
darab	تکه، قطعه، عدد، دانه \ تا	اسم
de	اما، ولی	حرف ربط
debreceni	اهل دبرتسن، دبرتسنی	صفت
december	دسامبر	اسم
deka	دکاگرم، ۱۰ گرم	اسم
dél	جنوب	اسم
délelőtt	قبل از ظهر	اسم
délelőtt	(در) قبل از ظهر	قید

délután	بعد از ظهر	اسم
délután	(در) بعد از ظهر	قید
derék	کمر	اسم
diagram	جدول	اسم
diák	دانش آموز، دانشجو	اسم
diákigazolvány	کارت دانشجویی	اسم
diákjegy	بلیط دانشجویی	اسم
dialógus	مکالمه، دیالوگ	اسم
dió	گردو	اسم
diszkó	دیسکو	اسم
disznó	خوک	اسم
divatos	اهل مد، شیک	صفت
divatosan	به طور مد روز، به طور شیک	قید
doboz	جعبه، بسته	اسم
dohányzik	سیگار کشیدن	فعل
doktor	پزشک، دکتر	اسم
doktornő	پزشک، دکتر (خانم)	اسم
dolgozik	کار کردن	فعل
dolgozószoba	سالن مطالعه	اسم
dolog	چیز، شی	اسم
dönt	تصمیم گرفتن	فعل
döntés	تصمیم	اسم
drága	گران	صفت
duci	تپل، گوشتالو	صفت
dugó	ترافیک سنگین، ازدحام	اسم
dzseki	کت	اسم

ebéd	نهار	اسم
ebédel	نهار خوردن	فعل
ebédlő	سالن نهارخوری	اسم
ebédszünet	وقت نهار	اسم
ecset	برس، قلمو	اسم
édesapa	پدر	اسم
ég	آسمان	اسم
egér	موش	اسم
egész	تمام، کامل	صفت
egészséges	سالم	صفت
egyedül	تنها، تکی	قید
egyenesen	مستقیماً	قید
egyenruha	یونیفرم	اسم
egyetem	دانشگاه	اسم
egyik	یکی از	ضمیر
egyiptomi	مصری	صفت
egymás	یکدیگر، همدیگر	ضمیر
egyszerű	ساده	صفت
együtt	باهم	قید
éhes	گرسنه	صفت
Eiffel-torony	برج ایفل	اسم
éjfél	نیمه‌شب	اسم
éjjel	شب هنگام	قید
éjjel	شب	اسم
éjszaka	شب هنگام	قید
éjszaka	شب	اسم

ékszerbolt	جواهر فروشی	اسم
el	دور از	پیشوند فعلی
él	زندگی کردن، سکونت داشتن	فعل
eladó	فروشنده	اسم
elefánt	فیل	اسم
elég	ترجیحاً، نسبتاً	قید
elegáns	شیک، شیکپوش	صفت
elektromos	برقی، الکتریکی	صفت
élet	زندگی	اسم
életkor	سن	اسم
elfogy (fogy)	تمام شدن	فعل
elhisz (hisz) valamit	باور داشتن به چیزی	فعل
elindul (indul)	به راه افتادن	فعل
elkezd (kezd) valamit	شروع کردن	فعل
ellop (lop) valamit	دزدیدن	فعل
elmegy (megy)	رفتن	فعل
elmúlik (múlik)	تمام شدن (احساسات، وضعیت)	فعل
Elnézést!	ببخشید، معذرت می‌خواهم	اصطلاح
elolvas (olvas) valamit	خواندن	فعل
előadás	سخنرانی	اسم
előszoba	سالن ورودی	اسم
először	اولاً، در ابتدا	قید
előtt	قبل از، پیش از	پسوند
első	اول، اولین	عدد
eltesz (tesz)	نگهداری کردن	فعل
eltűnik (tűnik)	ناپدید شدن	فعل

elutazik (utazik)	سفر کردن، مسافرت رفتن	فعل
elvisz (visz) valamit	حمل کردن، بردن	فعل
ember	شخص	اسم
emelet	طبقه	اسم
én	من	ضمیر
énekel	آواز خواندن	فعل
énekes	خواننده	اسم
engedély	مجاز	اسم
enyém	مال من	ضمیر
eper	توت فرنگی	اسم
épít	ساختن	فعل
éppen	همین الان، همان وقت	قید
épület	ساختمان	اسم
érdekes	جالب، جذاب	صفت
erdő	جنگل	اسم
érez	احساس کردن	فعل
(jól/rosszul) érzi magát	احساس (سلامتی و یا مریضی) کردن	اصطلاح
érkezik	رسیدن	فعل
erős	تند (مزه)	صفت
erős	قوی	صفت
erre	به این سو، به این سمت	قید
ért	فهمیدن	فعل
és	و	حرف ربط
esernyő	چتر	اسم
esetleg	احتمالاً	قید
esik	افتادن	فعل

esik	باریدن	فعل
eső	باران	اسم
esőkabát	بارانی	اسم
esős	(هوای) بارانی	صفت
este	عصر	اسم
este	هنگام عصر	قید
esti	عصری	صفت
eszik	غذا خوردن	فعل
eszpresszó	اسپرسو	اسم
észt	اهل استونیا، استونیایی	صفت
Észtország	استونیا	اسم
étel	غذا	اسم
étlap	منو	اسم
étterem	رستوران	اسم
év	سال	اسم
éves	ساله	صفت
evez	پارو زدن	فعل
évfolyamtárs	همکلاسی	اسم
évszak	فصل	اسم
ez	این	ضمیر
ezelőtt	قبل، پیش	پسوند
ezer	هزار	عدد
ezért	بنابراین، به این دلیل	حرف ربط
ezzel	با این	ضمیر
fagyí	بستنی (عامیانه)	اسم
fagylalt	بستنی	اسم

fáj	درد کردن	فعل
fájdalom	درد	اسم
fájdalomcsillapító	مسکن	اسم
fájl	فایل	اسم
fajta	نوع، گونه، جنس، دسته	اسم
fal	دیوار	اسم
falevél	برگ	اسم
falu	روستا	اسم
fantasztikus	خارق العاده، شگفت انگیز	صفت
fáradt	خسته	صفت
farmernadrág	جین	اسم
fázik	سرد کسی بودن	فعل
február	فوریه	اسم
fehér	سفید	صفت
fehérbor	شراب سفید	اسم
fej	سر	اسم
fekete	سیاه	صفت
fekszik	دراز کشیدن	فعل
fel	بالا، فوق	پیشوند فعلی
fél	نصف، نیم	اسم
felad (ad) egy levelet	نامه پست کردن	فعل
feladat	تکلیف، وظیفه	اسم
felakaszt (akaszt) valamit	آویزان کردن	فعل
feláll (áll)	بلند شدن، پا شدن	فعل
felel	پاسخ دادن	فعل
feleség	همسر (خانم)	اسم

felett	بالای	پسوند
felhív (hív) valakit	(تلفنی) تماس گرفتن، زنگ زدن	فعل
felhős	(هوای) ابری	صفت
felír (ír) egy gyógyszert	دارو تجویز کردن	فعل
felkapcsolja (kapcsol) a villanyt	روشن کردن چراغ	فعل
felkel (kel)	بیدار شدن، از خواب برخاستن	فعل
felmegy (megy)	بالا رفتن	فعل
felnőtt	بزرگسال	اسم
félóra	نیم ساعت	اسم
felöltözik (öltözik)	لباس پوشیدن	فعل
felpróbál (próbál) valamit	پرو کردن	فعل
felrak (rak)	چیزی را جای بالایی گذاشتن	فعل
felszáll (száll) a buszra	سوار اتوبوس شدن	فعل
felügyelő	پلیس، بازرس	اسم
felvált (vált) valamit	پول خرد کردن	فعل
felvesz (vesz) valamit	لباس پوشیدن، لباس تن کردن	فعل
fénykép	عکس	اسم
fényképész	عکاس	اسم
fényképez	عکس گرفتن	فعل
fénymásoló	دستگاه کپی	اسم
férfi	مرد	اسم
férj	همسر (مرد)	اسم
fest	نقاشی کردن، رنگ کردن	فعل
festék	رنگ	اسم
festmény	نقاشی	اسم
festő	نقاش	اسم

fésű	شانه	اسم
fészbukozik	از فیسبوک استفاده کردن	فعل
fiatal	جوان	صفت
fiatalember	مرد جوان	اسم
figyel	توجه کردن	فعل
film	فیلم	اسم
finn	فنلاندی	صفت
Finnország	فنلاند	اسم
finom	خوشمزه	صفت
fiú	پسر	اسم
fiú	فرزند (پسر)	اسم
fizet	پرداخت کردن	فعل
fizika	فیزیک	اسم
foci	فوتبال	اسم
focimeccs	مسابقه‌ی فوتبال	اسم
focizik	فوتبال بازی کردن	فعل
fodrász	آرایشگر، سلمانی	اسم
fog	دندان	اسم
fog	خواه	فعل کمکی برای بیان کردن آینده
fogkrém	خمیردندان	اسم
fogorvos	دندان‌پزشک	اسم
fogy	وزن کم کردن	فعل
fok	درجه	اسم
fokhagyma	سیر	اسم
folt	لکه	اسم

foltos	لک	صفت
folyó	رودخانه	اسم
folyosó	رامرو	اسم
fontos	مهم	صفت
fordít	ترجمه کردن	فعل
fordul	پیچیدن	فعل
forró	داغ	صفت
fotel	مبل راحتی	اسم
fotós	عکاس	اسم
Föld	سیاره ی زمین	اسم
föld	کف	اسم
földszint	طبقه ی همکف	اسم
fölött	بالای	پسونند
főnök	رئیس	اسم
főz	آشپزی کردن	فعل
francia	فرانسوی	صفت
Franciaország	فرانسه	اسم
friss	تازه	صفت
fűj	وزیدن	فعل
furcsa	عجیب	صفت
fut	دویدن	فعل
futball	فوتبال	اسم
futballozik	فوتبال بازی کردن	فعل
fű	چمن، علف	اسم
függöny	پرده	اسم
fül	گوش	اسم

fülbevaló	گوشواره	اسم
fürdik	حمام کردن	فعل
fürdőruha	مایو، لباس شنا	اسم
fürdőszoba	حمام	اسم
galéria	گالری	اسم
garázs	گاراژ	اسم
gazdag	ثروتمند	صفت
gép	دستگاه	اسم
gimnázium	دبیرستان	اسم
gitár	گیتار	اسم
gitározik	گیتار نواختن	فعل
gólya	لک لک	اسم
gomba	قارچ	اسم
gombóc	غذا به شکل گلوله	اسم
gondol valamire / valamit	فکر کرن، به فکر چیزی بودن	فعل
gondolkodik / gondolkozik	فکر کردن (استمراری)	فعل
göndör	فرفری	صفت
görög	یونانی	صفت
görögdinnye	هندوانه	اسم
Görögország	یونان	اسم
Gratulálok!	تبریک می گویم، مبارک باشد	اصطلاح
gulyás	گولاش (خوراک مجاری)	اسم
gulyásleves	سوپ گولاش مجاری	اسم
gyakran	اکثراً، اغلب، خیلی اوقات	قید
gyalog	پیاده	قید
gyanús	مشکوک	صفت

gyár	کارخانه	اسم
gyémánt	الماس	اسم
gyenge	ضعیف	صفت
gyerek	بچه، کودک	اسم
gyertya	شمع	اسم
gyilkosság	قتل، کشتار	اسم
gyógyszer	دارو	اسم
gyógyszertár	داروخانه	اسم
gyógyul	بہتر شدن، بهبود یافتن	فعل
gyógyulás	بهبودی، بازیابی	اسم
gyomor	معدہ، شکم	اسم
gyors	سریع، تند	صفت
gyönyörű	زیبا	صفت
gyümölcs	میوه	اسم
gyűrű	انگشتری، حلقه	اسم
ha	اگر	حرف ربط
hagy	ترک کردن، ول کردن	فعل
hagyma	پیاز	اسم
haj	مو	اسم
hajnal	سپیدہ دم	اسم
hal	ماہی	اسم
halászlé	سوپِ ماہی	اسم
hall	شنیدن	فعل
hallgat	گوش دادن	فعل
hálószoza	اتاق خواب	اسم
hamburger	ہمبرگر	اسم

hanem	بلکه	حرف ربط
hangos	صدا بلند، پر صدا	صفت
hangszer	ساز موسیقیایی	اسم
hangzik	به نظر آمدن	فعل
Hány?	چند عدد؟ چقدر؟	کلمه پرسشی
hányinger	حالت تهوع	اسم
Hányszor?	چندبار؟	کلمه پرسشی
haragszik	عصبانی بودن	فعل
harisnya	جوراب شلوازی	اسم
háromnegyed	سه چهارم	عدد
has	شکم	اسم
használ	استفاده کردن	فعل
hát	پشت	اسم
hatalmas	تتومند، عظیم	صفت
határozott tárgyas ragozás	صرف کردن فعل با معقول مشخص	اصطلاح
havazik	برف باریدن	فعل
ház	خانه	اسم
haza	به خانه‌ی خود	پیشوند فعلی
haza	به خانه‌ی خود	قید
hazamegy (megy)	به خانه خود رفتن	فعل
házi	خانگی	صفت
házi orvos	دکتر خانوادگی	اسم
hazudik	دروغ گفتن	فعل
hegy	کوه	اسم
helikopter	هلیکوپتر	اسم
hely	محل	اسم

helyi	محلی	صفت
helyjegy	بلیط رزرو	اسم
helyzet (Mi a helyzet?)	(چه) خبر(؟)	اسم
hétfő	دوشنبه	اسم
hétféje	آخر هفته	اسم
hibás	غلط	صفت
híd	پل	اسم
hideg	سرد	صفت
hír	اخبار	اسم
híradó	اخبار (در تلویزیون)	اسم
hirtelen	ناگهان	قید
hisz	باور کردن، عقیده داشتن	فعل
hív	تماس گرفتن	فعل
hízik	افزایش وزن گرفتن	فعل
hó	برف	اسم
hóember	آدم برفی	اسم
hogy	که	حرف ربط
Hogyan?	چطور؟	کلمه‌ی پرسشی
Hol?	در کجا؟	کلمه‌ی پرسشی
holland	هلندی	صفت
Hollandia	هلند	اسم
holnap	فردا	قید
hónap	ماه	اسم
Honnan?	از کجا؟	کلمه‌ی پرسشی
hord	لباس در تن داشتن	فعل
horvát	کرواسیایی	صفت

Horvátország	کراوایی	اسم
hosszú	طولانی، دراز	صفت
Hova?	به کجا؟	کلمه‌ی پرسشی
hoz	آوردن	فعل
hölgy	خانم، بانو	اسم
húg	خواهر کوچک	اسم
hús	گوشت	اسم
húsbolt	مغازه‌ی قصابی	اسم
húsvét	عید پاک	اسم
húszezres	اسکناس بیست هزاری	اسم
Húha!	وای!	اصطلاح
hűtő	یخچال	اسم
hűvös	خنک	صفت
ide	(به) اینجا (در حال حرکت)	قید
idead (ad)	دادن	فعل
idegenvezető	راهنمای تور	اسم
ideges	عصبی	صفت
idejön (jön)	به اینجا آمدن	فعل
idő	زمان	اسم
idő	آب و هوا	اسم
időpont	وقت ملاقات	اسم
idős	مسن	صفت
igaz	درست، صحیح	صفت
igazán	واقعاً	قید
igazgató	مدیر	اسم
igazi	واقعی	صفت

igazolás	گواهی‌نامه	اسم
igazolvány	کارت شناسایی	اسم
igen	بله	اصطلاح
így	این‌طور	ضمیر
ilyen	مثلِ این	ضمیر
ilyesmi	این جور چیزها	ضمیر
indul	به راه افتادن	فعل
infarktus	سکته‌ی قلبی	اسم
influenza	آنفولانزا	اسم
ing	پیراهن	اسم
injekció	تزریق	اسم
inkább	بلکه، نسبتاً	قید، حرف ربط
innen	از اینجا	قید
internet	اینترنت	اسم
internetezik	از اینترنت استفاده کردن	فعل
ír	ایرلندی	صفت
ír	نوشتن	فعل
író	نویسنده	اسم
iroda	اداره، دفتر کار	اسم
irodakulcs	کلید اداره، کلید دفتر کار	اسم
irodalom	ادبیات	اسم
is	همچنین، هم، نیز	حرف ربط
iskola	مدرسه	اسم
ismer	دانستن	فعل
ismerős	آشنایی	اسم
ismerős	آشنا	صفت

iszik	نوشیدن	فعل
ital	نوشیدنی	اسم
itt	اینجا	قید
itthon	در خانه (وقتی آنجایی)	قید
izmos	عضلانی	صفت
jacht	قایق بادبانی	اسم
január	ژانویه	اسم
Japán	ژاپن	اسم
japán	ژاپنی	صفت
jár	به طور منظم به جایی رفتن	فعل
játékautó	ماشین اسباب بازی	اسم
játszik	بازی کردن	فعل
javul	پیشرفت کردن، خوب شدن	فعل
jegy	بلیط	اسم
jó	خوب	صفت
jobbra	به سمت راست	قید
jogász	وکیل	اسم
joghurt	ماست	اسم
jókedvű	خوشحال، شاد	صفت
jól	خوب	قید
jós	پیشگو	اسم
jön	آمدن	فعل
jövő	آینده	اسم
jövőre	سال آینده	قید
július	ژوئیه	اسم
június	ژوئن	اسم

kabát	ژاکت / کت	اسم
kakaó	کاکائو	اسم
kalap	کلاه	اسم
kalapács	چکش	اسم
kanál	قاشق	اسم
kap	گرفتن / دریافت کردن	فعل
kapucsínó	کاپوچینو	اسم
kar	بازو	اسم
karácsony	کریمس	اسم
kardigán	ژاکت	اسم
karfiol	گل کلم	اسم
kártya	کارت	اسم
kávés	قهوه	اسم
kávéautomata	دستگاه قهوه ساز	اسم
kávéfőző	قهوه ساز	اسم
kávézik	قهوه خوردن	فعل
kávézó	کافی شاپ	اسم
kedd	سه شنبه	اسم
kedv	حالت	اسم
kedvenc	مورد علاقه	اسم
kedves	مهربان	صفت
kék	آبی	صفت
keksz	بیسکویت	اسم
kel	بلند شدن	فعل
kell	باید	فعل
kellemes	دلپذیر	صفت

kempingezik	اردو کردن	فعل
kényelmes	راحت	صفت
kényelmetlen	ناراحت (شی)	صفت
kenyér	نان	اسم
kép	عکس	اسم
kér valamit	چیزی درخواست کردن	فعل
kérdez	سوال پرسیدن	فعل
kerékpározás	دوچرخه سواری	اسم
keres (pénzt)	پول درآوردن	فعل
keres valamit	دنبال چیزی گشتن	فعل
kert	باغ، باغچه	اسم
kerül valamennyibe	ارزیدن	فعل
kés	چاقو	اسم
késés	تاخیر	اسم
késik	دیر کردن، تاخیر کردن	فعل
későn	دیر	قید
kész	تکمیل شده	صفت
készít	درست کردن، انجام دادن	فعل
készpénz	پول نقد	اسم
kesztyű	دستکش	اسم
kevés	کم	صفت
kéz	دست	اسم
kezd valamit csinálni	شروع کردن کاری، آغاز کردن کاری	فعل
kezdődik	شروع شدن	فعل
ki	حرکت به سمت بیرون	پیشوند فعلی
Ki?	چه کسی؟ کی؟	کلمه‌ی پرسشی

kiabál	فریاد زدن	فعل
kiállítás	نمایشگاه	اسم
kicserél (cserél)	عوض کردن	فعل
kicsi	کوچک	صفت
kiderül (derül)	معلوم شدن، آشکار شدن	فعل
kifizet (fizet) valamit	پرداخت کردن	فعل
kifli	نوعی نان شیرین و دراز، شیبه باگت	اسم
kijön (jön)	بیرون آمدن	فعل
kikapcsol (kapcsol)	خاموش کردن	فعل
kilép (lép)	خارج شدن	فعل
kiló	کیلو	اسم
kilométer	کیلومتر	اسم
kimegy (megy)	بیرون رفتن	فعل
kínai	چینی	صفت
kint	بیرون	قید
kinyit (nyit)	باز کردن	فعل
kirakat	ویتترین مغازه	اسم
királyné	ملکه	اسم
kirándul	گردش کردن (در طبیعت)	فعل
kis	کوچک	صفت
kisfiú	پسر کوچک	اسم
kisgyerek	بچه‌ی کوچک	اسم
kislány	دختر کوچک	اسم
Kissné	خانم کیس	اسم
kiszáll (száll)	پیاده شدن (از ماشین)	فعل
kitölt (tölt) valamit	چیزی را پر کردن	فعل

kíván	آرزو کردن	فعل
kíváncsi	کنجکاو	صفت
kivesz (vesz) valamit	چیزی را بر داشتن از داخل چیزی	فعل
kivisz (visz)	بیرون بردن	فعل
klub	کلوپ	اسم
kocka	مکعب	اسم
kocsi	ماشین	اسم
koktél	کوکتل	اسم
kóla	کولا	اسم
kolbász	سوسیس	اسم
kolléga	همکار	اسم
kollégium	خوابگاه	اسم
komoly	جدی	صفت
koncert	کنسرت	اسم
konferencia	کنفرانس	اسم
konyha	آشپزخانه	اسم
konyhaasztal	میز غذاخوری	اسم
kopog	در زدن	فعل
korán	زود	قید
kórház	بیمارستان	اسم
korsó	لیوان آبجو (نیم لیتری)	اسم
kosár	سبد	اسم
kosárlabda	بسکتبال	اسم
kosárlabdázik (labdázik)	بسکتبال بازی کردن	فعل
kő	سنگ	اسم
köhög	سرفه کردن	فعل

köldök	ناف	اسم
költő	شاعر	اسم
költözik	اسبابکشی کردن (خانه)	فعل
könnyű	آسان	صفت
könyök	آرنج	اسم
könyv	کتاب	اسم
könyvesbolt	کتاب فروشی	اسم
könyvtár	کتابخانه	اسم
könyvtáros	کتابدار	اسم
körte	گلابی	اسم
körül	دور و بر	حرف اضافه
körülbelül	حدوداً	قید
köszi	مرسی	اصطلاح
köszön	سلام گفتن	فعل
köszön	تشکر کردن	فعل
közben	در حین	حرف اضافه
közben	در ضمن	قید
közel	نزدیک	قید
közgazdász	اقتصاد دان	اسم
között	بین	حرف اضافه
közvetlen	مستقیم	صفت
krimi	داستان جنایی	اسم
krumpli	سیب زمینی	اسم
kuka	سطل زباله	اسم
kukorica	ذرت	اسم
kukoricakonzerv	ذرت کنسروی	اسم

kulcs	کلید	اسم
kutya	سگ	اسم
küld	ارسال کردن	فعل
külföldi	خارجی	صفت
külföldön	خارج از کشور	قید
külön	جداگانه	قید
különleges	مخصوص	صفت
láb	پا	اسم
labda	توپ	اسم
labdázik	با توپ بازی کردن	اسم
lábfej	پا	اسم
lábujj	انگشت پا	اسم
lakás	آپارتمان	اسم
lakik	زندگی کردن/اقامت کردن	فعل
lakó	همسایه	اسم
lakótárs	همخانه، هم‌اتاق	اسم
lámpa	لامپ	اسم
lángos	لانگوش (نوعی نان مجاری)	اسم
lány	دختر	اسم
laptop	لپ‌تاپ	اسم
lassú	آهسته	صفت
lát	دیدن	فعل
látogat	سر زدن به کسی	فعل
látogató	بازدید کننده	اسم
láz	تب	اسم
lázas	تب داشتن	صفت

lázcsillapító	تب بر	اسم
le	پایین	پسوند
lecsó	خورشت سبزیجات	اسم
lefekszik (fekszik)	دراز کشیدن	فعل
lefényképez (fényképez) valamit	عکس گرفتن	فعل
lefordít (fordít) valamit	ترجمه کردن	فعل
legalább	حداقل	قید
lehet	شاید	فعل
Lehet, hogy...	ممکن است که	اصطلاح
lekapcsolja (kapcsol) a villanyt	چراغ ها را خاموش کردن	فعل
lekvár	مربا	اسم
lemegy (megy)	پایین رفتن	فعل
lengyel	لهستانی	صفت
Lengyelország	لهستان	اسم
lépcsőház	راه پله	اسم
L-es	سایز بزرگ	صفت
lesz	خواهد بود	فعل
leszáll (száll) a buszról	از اتوبوس پیاده شدن	فعل
letesz (tesz) valamit	چیزی را پایین گذاشتن	فعل
letöröl (töröl) valamit	چیزی را پاک کردن	فعل
leül (ül)	نشستن	فعل
levegő	هوا	اسم
levél	برگ	اسم
levél	نامه	اسم
leves	سوپ	اسم

levesz (vesz)	درآوردن چیزی (لباس)	فعل
levetkőzik (vetkőzik)	لباس کندن	فعل
limonádé	لیموناد	اسم
liszt	آرد	اسم
liter	لیتر	اسم
ló	اسب	اسم
lop	دزدیدن	فعل
lovaglás	اسب سواری	اسم
lovagol	اسب سواری کردن	فعل
lusta	تنبل	صفت
ma	امروز	قید
macska	گربه	اسم
madár	پرنده	اسم
madridi	مادریدی	اسم
maga	شما	ضمیر
magas	بلند	صفت
magazin	مجله	اسم
magnó	استریو	اسم
magyar	مجاری	صفت
magyaróra	کلاس مجاری	اسم
Magyarország	مجارستان	اسم
magyartanár	معلم مجاری	اسم
mai	امروزی	صفت
majd	پس، سپس	قید
majom	میمون	اسم
május	ماه مه	اسم

málna	تمشک	اسم
már	قبلاً، پیش از این	قید
már	هنوز	قید
marad	ماندن	فعل
maraton	ماراتن	اسم
március	مارس	اسم
más	دیگر	صفت
más	یک چیز دیگر	اسم
másik	یکی دیگر	ضمیر
másnap	روز دیگر	قید
matematika	ریاضیات	اسم
meccs	مسابقه	اسم
Meddig?	تا چه زمانی؟	کلمه پرسشی
medence	استخر	اسم
meg	و	حرف ربط
meg	یان کامل بودن یک عمل	پیشوند فعلی
még	بیشتر	قید
még nem	هنوز نه	اصطلاح
még	هنوز	قید
megad (pénzt) (ad)	پس دادن (پول)	فعل
megáll (áll)	توقف کردن (ایست)	فعل
megálló	ایستگاه (اتوبوس)	اسم
megbeszél valamit (beszél)	بحث کردن	فعل
megbeszélés	ملاقات، جلسه	اسم
megcsinál (csinál) valamit	انجام دادن	فعل
megérkezik (érkezik)	رسیدن	فعل

megeszik (eszik) valamit	خوردن	فعل
meghallgat (hallgat) valamit	گوش دادن	فعل
megint	دوباره	قید
megír (ír) valamit	نوشتن (نوشتن) چیزی	فعل
megiszik (iszik) valamit	نوشیدن	فعل
megkérdez (kérdez) valakit / valamit	سوال کردن	فعل
meglátogat (látogat) valakit	سر زدن به کسی	فعل
megment (ment) valakit	نجات دادن کسی	فعل
megmentő	ناجی	اسم
megmond (mond) valamit	گفتن	فعل
megmutat (mutat) valamit	نشان دادن	فعل
megnéz (néz) valamit	تماشا کردن	فعل
megnyitó	افتتاح	اسم
megpróbál (próbál) valamit csinálni	تلاش کردن، سعی کردن	فعل
megtalál (talál)	پیدا کردن	فعل
megtanul (tanul) valamit	یاد گرفتن	فعل
megvan	پیدا شده است	فعل
megvesz (vesz) valamit	خریدن	فعل
megvizsgál (vizsgál) valakit	معاینه کردن	فعل
megy	رفتن	فعل
meggy	گیلاس ترش	اسم
meggyógyul (gyógyul)	بهبود یافتن	فعل
meggyűjt (gyűjt) valamit	روشن کردن چیزی	فعل

meleg	گرم	صفت
melegszendvics	ساندویچ داغ	اسم
mellé	به پهلو، به کنار	حرف اضافه
mellett	در پهلو، در کنار	حرف اضافه
mellkas	سینه	اسم
Melyik?	کدام؟	کلمه پرسشی
mentő	آمبولانس	اسم
mentős	امدادگر	اسم
Mennyi?	چقدر؟	کلمه پرسشی
méret	سایز	اسم
mérges	عصبانی	صفت
mérnök	مهندس	اسم
Merre?	به کدام سمت؟	کلمه پرسشی
mert	چون که	حرف ربط
messze	دور	قید
méter	متر	اسم
metró	مترو	اسم

Mexikó	مکزیک	اسم
mexikói	مکزیکي	صفت
méz	عسل	اسم
mézes	عسلی	صفت
mi	ما	ضمیر
Mi?	چی؟	کلمه پرسشی
miénk	مال ما	ضمیر
Miért?	چرا؟	کلمه پرسشی

Mikor?	کی؟	کلمه پرسشی
Mikulás	بابا نوئل	اسم
Milyen?	چه گونه؟	کلمه پرسشی
minden	هر	ضمیر
minden	هر چیزی	ضمیر
mindenhol	هر جایی	قید
mindenki	هر کسی	ضمیر
mindennap	هر روز	قید
mindig	همیشه	قید
mindjárt	به زودی	قید
mint	مثل، مانند	حرف ربط
mínusz	منفی	صفت
Mit parancsol?	چه چیزی میل دارید؟	اصطلاح
Mivel?	با چی؟	کلمه پرسشی
mobiltelefon	تلفن همراه	اسم
modern	به روز	صفت
mogyoró	بادام زمینی	اسم
mond	گفتن	فعل
mos	شستن	فعل
mosdó	دستشویی	اسم
mosogat	ظرف شستن	فعل
mosolyog	لبخند زدن	فعل
mosópor	پودر شست و شو	اسم
most	حالا	قید
mozi	سینما	اسم
mozijegy	بلیط سینما	اسم

mozog	حرکت کردن	فعل
mögött	در پشت	حرف اضافه
múlt héten	هفته‌ی پیش	اصطلاح
múlva	بعد	حرف اضافه
munka	کار	اسم
munkahely	محل کار	اسم
munkaruha	لباس کار	اسم
mutat	نشان دادن	فعل
múzeum	موزه	اسم
műsor	برنامه	اسم
művész	هنرمند	اسم
művészet	هنر	اسم
müzli	غلات صبحانه	اسم
nadrág	شلوار	اسم
nagy	بزرگ	صفت
nagyapa	پدربزرگ	اسم
nagymama	مادربزرگ	اسم
nagyon	خیلی	قید
nagyszerű	جذاب	صفت
nagyszülő	پدربزرگ و مادربزرگ	اسم
nap	روز	اسم
napi	روزانه	صفت
napos	آفتابی	صفت
napozik	حمام آفتاب گرفتن	فعل
nappali	اتاق نشیمن	اسم
napszemüveg	عینک آفتابی	اسم

naptár	تقویم	اسم
narancs	پرتقال	اسم
ne	نکن	اصطلاح
negyed	ربع	اسم
néha	گاهی اوقات	قید
néhány	بعضی	ضمیر
néhányszor	بعضی وقت	قید
nehéz	سخت / سنگین	صفت
nem	نه	اصطلاح
német	آلمانی	صفت
Németország	آلمان	اسم
nemsokára	به زودی	قید
néni	عمه، خاله	اسم
néptánc	رقص محلی	اسم
névnap	روز اسم کوچک (عید در مجارستان)	اسم
néz	نگاه کردن	اسم
nincs(en)	وجود ندارد	فعل
normális	عادی	صفت
notesz	دفترچه	اسم
novella	داستان کوتاه	اسم
nő	زن	اسم
nővér	خواهر بزرگ	اسم
nyak	گردن	اسم
nyakkendő	گراوات	اسم
nyaklánc	گردنبند	اسم
nyár	تابستان	اسم

nyaral	گذراندن تعطیلات تابستانی	فعل
nyári	تابستانی	صفت
nyelv	زبان	اسم
nyelviskola	مدرسه‌ی زبان	اسم
nyelvtan	دستور زبان	اسم
nyit	باز کردن	فعل
nyitva	باز	وجه وصفی
nyomás	فشار	اسم
nyomozó	کاراگاه	اسم
nyomtat	چاپ کردن	فعل
nyugdíj	حقوق بازنشستگی	اسم
nyugdíjas	بازنشسته	اسم
Nyugi!	آرام باش	اصطلاح
nyugodt	آرام	صفت
nyúl	خرگوش	اسم
oda	(به) آنجا (در حال حرکت)	قید
odamegy (megy)	به آنجا رفتن	فعل
okos	باهوش	صفت
okostelefon	تلفن هوشمند	اسم
október	اکتبر	اسم
olaj	روغن	اسم
olasz	ایتالیایی	صفت
Olaszország	ایتالیا	اسم
olcsó	ارزان	صفت
oldal	سمت	اسم
olvas	خواندن	فعل

olyan	آنقدر	ضمير
onnan	از آنجا	قيد
optimista	خوشبين	صفت
óra	كلاس	اسم
óra	ساعت	اسم
óra	ساعت	اسم
ordít	فرياد زدن	فعل
orosz	روسی	صفت
oroszlán	شير	اسم
Oroszország	روسيه	اسم
orr	بینی	اسم
ország	کشور	اسم
orvos	دکتر، پزشک	اسم
orvosi	پزشکی	صفت
osztrák	اتريشی	صفت
ott	آنجا	قيد
otthon	در خانه (موقعی که آنجا نباشیم)	قيد
óvoda	مهد کودک	اسم
ő	او	ضمير
öcs	برادر کوچک	اسم
ők	آنها	ضمير
öltöny	کت و شلوار	اسم
öltözik	لباس پوشیدن	فعل
öltöző	اتاق پرو	اسم
ön	شما	ضمير
őr	نگهبان	اسم

öreg	پیر	صفت
örül	خوشحال بودن	فعل
ősz	پاییز	اسم
őszibarack	هلو	اسم
összeszedi magát	به خود آمدن	اصطلاح
ötéves	پنج ساله	صفت
ötezres	اسکناس پنج هزارى	اسم
ötlet	نظر / ایده	اسم
palacsinta	پنکیک	اسم
pálinka	پالینکا (نوشیدنی الکلی مجارى)	اسم
pályaudvar	ایستگاه	اسم
panaszkodik	شکایت کردن	فعل
panzió	مهمان خانه	اسم
pap	کشیش	اسم
papagáj	طوطی	اسم
papír	کاغذ	اسم
papírbolt	لوازم التحریر	اسم
paprika	فلفل	اسم
papucs	دمپایی	اسم
pár	جفت	اسم
paradicsom	گوجه	اسم
Párizs	پاریس	اسم
park	پارک	اسم
parkol	پارک کردن	فعل
parkoló	پارکینگ ماشین	اسم
parlament	مجلس	اسم

patika	داروخانه	اسم
pattogatott kukorica	پاپ کورن	اسم
pékség	نانوایی	اسم
például	به عنوان مثال	قید
péntek	جمعه	اسم
pénz	پول	اسم
pénztár	صندوق پول	اسم
pénztárca	کیف پول	اسم
perc	دقیقه	اسم
persze	البته	قید
pesszimista	بدبین	صفت
piac	تره بار، بازار	اسم
pihen	استراحت کردن	فعل
pihenés	استراحت	اسم
pillanat	لحظه	اسم
pince	انبار (زیر زمین)	اسم
pincér	پیشخدمت	اسم
pincérnő	پیشخدمت (زن)	اسم
pingpong	تنیس روی میز	اسم
piramis	هرم	اسم
piros	قرمز	صفت
piszkos	کثیف	صفت
pisztoly	اسلحه‌ی دستی	اسم
pizza	پیتزا	اسم
pizzéria	پیزاریا	اسم
pogácsa	پوگاچا (نوعی خوراکی شور که در اول مهمانی تعارف می شود)	اسم

pohár	لیوان	اسم
polc	تاقچه	اسم
póló	تی شرت	اسم
pontos	دقیق	صفت
porszívó	جاروبرقی	اسم
porszívózik	جارو کردن	فعل
porta	پذیرش	اسم
portás	دربان، نگهبان	اسم
portugál	پرتغالی	صفت
Portugália	پرتغال	اسم
posta	اداره ی پست	اسم
postás	پستچی	اسم
pörkölt	خورشت	اسم
prémium	انعام	اسم
prezentáció	ارائه	اسم
prezentál	ارائه دادن	فعل
próba	تمرین نمایش	اسم
próbafulke	اتاق پرو	اسم
próbál	پرو کردن	فعل
probléma	مشکل	اسم
program	برنامه	اسم
programozó	برنامه نویس	اسم
pulóver	پلیور	اسم
puszi	بوسه	اسم
rablás	سرقت، دزدی	اسم
rádió	رادیو	اسم

radír	پاککن	اسم
ráér	وقت داشتن	فعل
rágó	آدامس	اسم
ragozás	صرف	اسم
rajzol	نقاشی کشیدن	فعل
rak	گذاشتن	فعل
raktár	انبار (کالا)	اسم
rántott hús	شنیتزل	اسم
recept	نسخه	اسم
régen	خیلی وقت پیش	قید
regény	رمان	اسم
reggel	در صبح	قید
reggel	صبح	اسم
reggeli	صبحانه	اسم
reggelizik	صبحانه خوردن	فعل
régi	قدیمی	صفت
régóta	برای مدت طولانی	قید
rend	سفارش	اسم
rendel	سفارش دادن	فعل
rendelés	ساعت‌های کاری دکتر	اسم
rendelő	مطب	اسم
rendes	دلپذیر / مهربان	صفت
rendőr	پلیس	اسم
rendőrautó	ماشین پلیس	اسم
rendőrkutya	سگ پلیس	اسم
rendőrség	پلیس	اسم

rengeteg	فراوان	صفت شمارش
repülő	هواپیما	اسم
repülőgép	هواپیما	اسم
repülőtér	فرودگاه	اسم
rész	قسمت	اسم
részeg	مست	صفت
rétes	اشترودل	اسم
riport	مصاحبه	اسم
riporter	گزارشگر	اسم
ritka	نادر، کمیاب	قید
rizs	برنج	اسم
robot	ربات	اسم
rokon	خویشاوند	اسم
Róma	رم	اسم
román	رومانیایی	صفت
Románia	رومانیا	اسم
rossz	بد	صفت
rosszkedvű	بد اخلاق	صفت
rózsaszín	صورتی	صفت
rögtön	فورا	قید
rövid	کوتاه	صفت
rövidnadrág	شورت	اسم
ruha	لباس	اسم
ruhadarab	لباس	اسم
ruhatár	رختکن	اسم
rúzs	رژلب	اسم

sajnos	متأسفانه، بدبختانه	اصطلاح
sajt	پنیر	اسم
sajtos	پنیری	صفت
sál	شال	اسم
saláta	سالاد	اسم
sápadt	رنگ پریده	صفت
sapka	کلاه	اسم
sárga	زرد	صفت
sárgabarack	زردآلو	اسم
sárgadinnye	طالبی	اسم
sarok	گوشه، نبش	اسم
sátor	چادر	اسم
se	نه ... نه ...	حرف ربط
segít (valakinek)	کمک کردن	فعل
segítség	کمک	اسم
sehol	هیچ جا	قید
sehova (moving)	به هیچ جا	قید
sem	نه (ی دوباره)	حرف ربط
semennyi	هیچ (مقدار)	قید
semmi	هیچ چیز	ضمیر
senki	هیچ کسی	ضمیر
seprű	جارو	اسم
sétál	راه رفتن، قدم زدن	فعل
siel	اسکی کردن	فعل
siet	عجله کردن	فعل
sikeres	موفق	صفت

sikerül	موفق شدن	فعل
sincs	وجود ندارد	فعل
só	نمک	اسم
sofőr	راننده	اسم
sógor	شوهر خواهر، برادر همسر	اسم
sógornő	زن برادر، خواهر همسر	اسم
soha	هرگز	قید
sok	زیاد	صفت
sokáig	برای مدت طولانی	قید
sokszor	اغلب	قید
sonka	ژامبون	اسم
sonkás	ژامبونی	صفت
sor	صف	اسم
sovány	لاغر	صفت
söprű	جارو	اسم
sör	آبجو	اسم
sörözik	نوشیدن آبجو	فعل
söröző	بار	اسم
sötét	تاریک	صفت
spájz	انباری غذا	اسم
spanyol	اسپانیایی	صفت
Spanyolország	اسپانیا	اسم
spenót	اسفناج	اسم
sportautó	ماشین اسپورت	اسم
sportol	ورزش کردن	فعل
sportos	ورزشکار	صفت

statisztika	آمار	اسم
steak	استیک	اسم
strand	ساحل	اسم
sült	کیابی	وجه وصفی
süt	کباب کردن	فعل
sütemény	کیک	اسم
Svájc	سوئیس	اسم
svájci	سوئیسی	صفت
Svédország	سوئد	اسم
svédül	در زبان سوئد	قید
Sydney	سیدنی	اسم
szabad	آزاد	صفت
száj	دهان	اسم
szakács	آشپز	اسم
szakadt	پاره شده	صفت
szakáll	ریش	اسم
szakállas	ریشو	صفت
szakszerű	حرفه‌ای	صفت
szalámi	سالامی	اسم
száll	پرواز کردن	فعل
szálloda	هتل	اسم
szalvéta	دستمال	اسم
szám	عدد	اسم
számítógép	کامپیوتر	اسم
számla	فاکتور / صورت حساب	اسم
szandál	صندل	اسم

szánkó	سورتمه	اسم
szánkózik	سورتمه سواری کردن	فعل
száraz	خشک	صفت
szatyor	کیسه	اسم
százaz	سکه‌ی صد فورینتی	اسم
szegedi	اهل سگد	صفت
szegény	فقیر	صفت
szék	صندلی	اسم
szekrény	کمد لباس	اسم
szél	باد	اسم
szeles	بادی	صفت
széles	وسیع	صفت
szem	چشم	اسم
személy	شخص	اسم
személyi igazolvány	کارت شناسایی	اسم
szemorvos	چشم پزشک	اسم
szemüveg	عینک	اسم
szemüveges	عینکی	صفت
szendvics	ساندویچ	اسم
szénsavas	گازدار	صفت
szénsavmentes	غیر گازدار	صفت
szép	زیبا	صفت
szeptember	سپتامبر	اسم
szerda	چهارشنبه	اسم
szerel	تعمیر کردن	فعل
szerelő	مکانیک / تعمیرکار	اسم

szerencsére	خوشبختانه	اصطلاح
szerencsés	خوش شانس	صفت
szeret	دوست داشتن، عاشق بودن	فعل
szerint	براساس	حرف اضافه
Szervusz!	سلام	اصطلاح
Szia!	سلام	اصطلاح
Sziasztok!	سلام	اصطلاح
szigorú	سختگیر	صفت
szilva	آلو	اسم
szilvapálinka	کنیاک الو	اسم
szimpatikus	دوست داشتنی	صفت
szín	رنگ	اسم
színes	رنگارنگ	صفت
színész	بازیگر	اسم
színésznő	بازیگر (زن)	اسم
színház	تئاتر	اسم
szív	قلب	اسم
Szívesen.	خواهش می کنم.	اصطلاح
szlovák	اسلواکیایی	صفت
Szlovákia	اسلواکی	اسم
szoba	اتاق	اسم
szobafestő	نقاش	اسم
szobor	مجسمه	اسم
szobrász	مجسمه ساز	اسم
szoknya	دامن	اسم
szól	زنگ خوردن تلفن	فعل

szól	معتبر برای (بلیط)	فعل
szombat	شنبه	اسم
szomjas	تشنه	صفت
szomorú	ناراحت	صفت
szomszéd	همسایه	صفت
szórakozik	تفریح کردن	فعل
szorgalmas	کوشا	صفت
szótár	فرهنگ لغت	اسم
szóval	بنابر این	حرف ربط
szőke	بور	صفت
szőlő	انگور	اسم
szőnyeg	فرش	اسم
szörnyű	ناگوار	صفت
szuper	فوق العاده	صفت
szupermarket	سوپرمارکت	اسم
szükség	نیاز	اسم
születésnap	روز تولد	اسم
szülő	والدین	اسم
szünet	زنگ تفریح	اسم
szüret	برداشتن انگور	اسم
szürke	خاکستری	صفت
tábla	تخته سیاه	اسم
takarít	تمیز کردن	فعل
talál	پیدا کردن	فعل
találkozik (valakivel)	ملاقات کردن	فعل
talán	شاید	قید

tanár	معلم	اسم
tanárnő	معلم (زن)	اسم
táncol	رقصیدن	فعل
tanít	تدریس کردن	فعل
tanul	درس خواندن	فعل
tányér	پشقاب	اسم
tárgy	مفعول	اسم
tárgyal	مذاکره کردن	فعل
tart	طول کشیدن	فعل
tartózkodási engedély	اجازه ی اقامت	اسم
táska	کیف	اسم
tavaly	سال گذشته	قید
tavaszi	بهار	اسم
taxi	تاکسی	اسم
taxis	راننده ی تاکسی	اسم
taxisofőr	راننده ی تاکسی	اسم
te	تو	ضمیر
tea	چای	اسم
tegnap	دیروز	قید
tehát	پس، خلاصه	حرف ربط
tej	شیر	اسم
tejföl	خامه ی ترش	اسم
tél	زمستان	اسم
tele	پر	صفت
telefon	تلفن	اسم
telefonál	تلفن کردن	فعل

televízió	تلویزیون	اسم
teljes árú	قیمت کامل	اصطلاح
templom	کلیسا	اسم
tenger	دریا	اسم
tengerpart	ساحل دریا	اسم
teniszeznek	تنیس بازی کردن	فعل
tényleg	واقعا	قید
tér	میدان	اسم
terasz	تراس	اسم
térd	زانو	اسم
terem	اتاق	اسم
terítő	سفره رومیزی	اسم
terv	طرح	اسم
Tessék parancsolni.	بفرمایید (محترمانه)	اصطلاح
Tessék!	بفرمایید	اصطلاح
Tessék!	چطور میتوانم کمکتان کنم؟	اصطلاح
Tessék?	ببخشید؟	اصطلاح
testvér	خواهر و برادر	اسم
teszt	گذاشتن	فعل
tetszik	پسندیدن	فعل
teve	شتر	اسم
tévé	تلویزیون	اسم
tévézik	تلویزیون تماشا کردن	فعل
Thaiföld	تایلند	اسم
thaiföldi	تایلندی	صفت
ti	شما	ضمیر

tied	مال تو	ضمير
tigris	ببر	اسم
tilos	ممنوع	صفت
Tisza-part	ساحل رودخانه‌ی تیسا	اسم
tiszta	تمیز	صفت
titkárnő	منشی	اسم
tízezres	اسکناس ده هزار فورینتی	اسم
tó	دریاچه	اسم
tojás	تخم مرغ	اسم
tojásrántotta	املت	اسم
toll	خودکار	اسم
tolmács	مترجم	اسم
torok	گلو	اسم
torony	برج	اسم
torta	کیک	اسم
több	بیشتر	صفت
többi	دیگر	ضمير
tök	کدو	اسم
tölt	گذراندن، فرم پر کردن وقت	فعل
török	ترکی	صفت
Törökország	ترکیه	اسم
törölköző	حوله	اسم
történelem	تاریخ	اسم
történik	اتفاق افتادن	فعل
tradicionális	سنتی	صفت
troli	اتوبوس برقی	اسم

tud	توانستن	فعل
tud	دانستن	فعل
túl	خیلی (بیشتر از ضروری)	قید
turista	توریست	اسم
túró	پنیر (نوعی پنیر دلمه شده)	اسم
tusol	دوش گرفتن	فعل
tusolás	دوش	اسم
tüdőgyulladás	پنومونی	اسم
tükör	آینه	اسم
türelmes	صبور	صفت
tűz	آتش	اسم
tűzoltóautó	ماشین آتش نشانی	اسم
tv	تلویزیون	اسم
tyúk	مرغ	اسم
uborka	خیار	اسم
Úgy dönt, hogy	تصمیم گرفته است که	اصطلاح
Ugyan!	نه بابا!	اصطلاح
ugye	درسته؟	اصطلاح
új	جدید	صفت
ujj	انگشت	اسم
ujjú	آستین دار	صفت
újság	روزنامه	اسم
újságíró	خبرنگار	اسم
ukrán	اکراینی	صفت
unalmas	حوصله سر بر	صفت
unatkozik	بی حوصله بودن	فعل

unoka	نوه	اسم
r	آقا	اسم
Úristen!	خدای من، یا علی	اصطلاح
USA	ایالت متحده آمریکا	اسم
úszás	شنا	اسم
úszik	شنا کردن	فعل
uszoda	استخر شنا	اسم
úszószemüveg	عینک شنا	اسم
út	جاده	اسم
után	بعد	حرف اضافه
utazás	سفر	اسم
utazik	سفر کردن	فعل
utca	خیابان	اسم
utcai	خیابانی	صفت
útlevél	گذرنامه	اسم
utoljára	برای بار آخر	قید
utolsó	آخری	صفت
üdítő	نوشیدنی سبک	اسم
ügyes	باهوش	صفت
ügyintéző	سرپرست	اسم
ügyvéd	وکیل	اسم
ül	نشستن	فعل
üres	خالی	صفت
üveg	بطری	اسم
üveges	بطری شده	صفت
üzenet	پیام	اسم

üzletember	تاجر	اسم
vacsora	شام	اسم
vacsorázik	شام خوردن	فعل
vágány	سکوی قطار	اسم
vagy	یا	حرف ربط
vagy	تو هستی	فعل
valahol	جایی	ضمیر
valahova	به جایی (رفتن)	ضمیر
valaki	کسی	ضمیر
valamennyi	بعضی	ضمیر
valami	چیزی	ضمیر
valamilyen	نوعی	ضمیر
válaszol	پاسخ دادن	فعل
választ	انتخاب کردن	فعل
váll	شانه	اسم
valószínűleg	احتمالا	قید
van	است	فعل
van	هست / وجود دارد	فعل
vanília	وانیل	اسم
vár	منتظر ماندن	فعل
város	شهر	اسم
városháza	شهرداری	اسم
városi	شهری	صفت
Varsó	ورشو	اسم
vásárló	مشتري	اسم
vasárnap	یک شنبه	اسم

vásárol	خرید کردن	اسم
vastag	مشتري	صفت
vasútállomás	ایستگاه قطار	اسم
váza	گلدان	اسم
vég	پایان	اسم
vegán	گیاه خوار (وگان)	صفت
vegetáriánus	گیاه خوار	اسم
végül	بالاخره	قید
vékony	لاغر	صفت
vele	با او	ضمیر
vendég	مهمان	اسم
vendégpapucs	دمپایی مهمان	اسم
Venezuela	ونزوئلا	اسم
venezuelai	ونزوئلایی	صفت
vér	خون	اسم
vers	شعر	اسم
verseny	مسابقه	اسم
vesz valamit	خریدیدن	فعل
vezérigazgató	مدیر ارشد اجرایی	اسم
vezet	رانندگی کردن	فعل
vicc	جوک	اسم
vicces	بامزه، خنده دار	صفت
vidám	خوشحال	صفت
vidék	اطراف شهر، شهرستان	اسم
videó	ویدیو	اسم
vietnámiul	به زبان ویتنامی	قید

világ	دنيا	اسم
villa	چنگال	اسم
villamos	تراموای	اسم
villany	چراغ	اسم
virág	گل	اسم
virágbolt	گل فروشی	اسم
virsli	سوسیس	اسم
visel	پوشیدن	فعل
visz	حمل کردن، بردن	فعل
viszlát	خدانگهدار	اصطلاح
viszont	ولی	حرف ربط
Viszontlátásra!	خدانگهدار	اصطلاح
vissza	بر، باز	پیشوند فعلی
visszaad (ad) valamit	برگرداندن چیزی	فعل
visszajön (jön)	برگشتن	فعل
visszamegy (megy)	برگشتن به جایی	فعل
vitatkozik	بحث کردن	فعل
víz	آب	اسم
vízvezeték-szerelő	لوله کش	اسم
vizsga	امتحان	اسم
vizsgálat	معاینه‌ی پزشکی	اسم
vízszelő	لوله کش	اسم
vonat	قطار	اسم
vonatozik	با قطار سفر کردن	فعل
vörös	قرمز	صفت
vörösbor	شراب قرمز	اسم

vulkán	آتشفشان	اسم
whisky	ویسکی	اسم
zárva	بسته	وجه وصفی
zene	موسیقی	اسم
zenél	موسیقی زدن	فعل
zenész	موسیقی دان	اسم
zokni	جوراب	اسم
zöld	سبز	صفت
zöldség	سبزی	اسم
zöldséges	سبزی فروش	اسم
zsebkendő	دستمال کاغذی	اسم
zseniális	عالی، بی نظیر	صفت
zsiráf	زرافه	اسم